

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/12/16



موضوع: شک در وجود عین نجاست یا متنجس در زیر کفش

مسئله 5: «اذا علم وجود عین النجاسه أو المتنجس لابد من العلم بزوالها و اما اذا شك في وجودها فالظاهر كفايه المشي و ان لم يعلم بزوالها على فرض الوجود». سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اگر کسی علم به وجود نجاست، عین نجاست یا متنجس داشته باشد مثلاً زمین راه می رود می داند که ته کفش او عین نجاست وجود دارد یا متنجس، چاره ای نیست جز اینکه علم به زوال آن نجاست حاصل بشود. به مجرد راه رفتن و مشی بر روی زمین تطهیر حاصل نمی شود. و اما اگر کف پایش که متنجس است و شک بکند در وجود آن نجاست که عین نجاست مثلاً خون کف پایش وجود دارد یا ندارد، ظاهر این است که مشی کافی است، هرچند علم حاصل نباشد برای مکلف نسبت به زوال آن نجاست بر فرض وجود آن نجاست. سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه و سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه این فروع را بحث می کنند، می فرمایند: شک در وجود نجاست در ته کفش اگر در حقیقت برگردد به شک در حائل، اینجا حکم به طهارت مشکل است. مکلف ته کفش او نجس بود، می داند نجس است ولی نمی داند عین نجاست الان در ته کفش وجود دارد یا ندارد، زمین راه می رود به مقداری که اگر نجاست بود زائل نمی شد، در این صورت اگر شک بکند که این نجاستی در ته کفش بود، حجم داشت مانع می شد از تماس ته کفش به زمین. شک در حائل که به وجود بیاید در حقیقت می شود شک در تطهیر، بنابراین حکم به تطهیر مشکل است.^[1] برخلاف آنچه در متن آمده بود که ظاهر کفایت مشی است. این سیدین می فرمایند که کفایت مشی مشکل است. چون که شک در تطهیر به وجود می آید.

سوال:

پاسخ: متنجسی است یک لایه گل، ته کفش است و احساس هم نمی شود. لایه نازکی از گلی است که متنجس است. راه می رویم و احساس هم نمی کنیم که الان از ته کفش آن

لایه نازک برطرف شد و وجودش حائل است بین ته کفش و زمین. تماس برقرار نمی شود اگر آن حائل وجود داشته باشد. شک در حائل است، شک در حائل شک در تطهیر است. اینجا باید مراجعه بشود به قواعد و اصول، اصل استصحاب عدم حائل و استصحاب عدم وجود عین جاری می شود که سابقاً عین نبود و الان استصحاب می کنیم و سابقاً حائل نبود الان عدمش را استصحاب می کنیم. اما این استصحاب از اظهر انواع استصحاب مثبت است. با اصل عدم حائل و با اصل عدم عین تماس را ثابت می کنید، خود تماس که اثر شرعی نیست. خود تماس موضوع می شود برای اثر شرعی. این استصحاب مثبت است و جاری نیست. و استصحاب که جاری نشد سید الحکیم می فرماید: استصحاب دیگری است و آن استصحاب نجاست. بنابراین بناء بر فتوای سید مشی کفایت می کند و بنابر نظر سیدین کفایت نمی کند و امام خمینی هم قدس الله نفسه الزکیه در فتوا فرموده است که ظاهر این است که اعلام بشود عدم حکم به مطهریت.

سوال:

پاسخ: شک در وجود نجاست دارید ولی بعد از آن مشی کافی است، هرچند مشی که در زمین می کنید آن مشی به آن اندازه نباشد که اگر وجود داشت به این مقدار مشی زمین قطعاً رفع می شد. چون مشی است و علم به وجود نجاست نداریم. و ان لم یعلم علی فرض الوجود، هرچه نداند به زوال آن نجاست که اگر نجاست وجود داشت به این مقدار مشی علم به زوال حاصل نمی شد، ولی شک در وجود نجاست دارید مشی هرچند به آن اندازه هم نباشد مطهر است. مسئله ششم هم به همین منوال است و برگردیم به وجهی که سید طباطبایی برای این مسئله گفته است و توضیحی که درباره استصحاب یا قاعده می توانیم داشته باشیم.

مسئله 6 و فرقی با مسئله قبل

مسئله 6: «إذا كان في الظلمة و لا يدري أن ما تحت قدمه أرض أو شيء آخر من فرش و نحوه لا يكفي المشي عليه فلا بد من العلم بكونه أرضاً بل إذا شك في حدوث فرش أو نحوه بعد العلم بعدمه يشكل الحكم بمطهريته أيضاً». این دو تا مسئله نظر سید فرق می کند در دو فتوا اما اصول و قواعد در هر دو مسئله تقریباً از یک سنخ است. می فرماید: اگر کسی در تاریکی شب مثلاً راه می رود و نمی داند که زیر پایش در حال راه رفتن سطح زمین است یا شیء دیگری است روی زمین مثل فرش و آسفالت و نحوه، در این صورت می فرماید: اینگونه مشی کفایت نمی کند، چون مطهر زمین است و شک در تحقق تطهیر می شود و مماس با زمین شرط در تطهیر است، شک در مماس بودن شک در تطهیر است. «فلا بد من العلم بكونه أرضاً» مثلاً تطهیر به وسیله آب باشد، باید علم حاصل کنید که این آب است. و اگر یک مایعی است و احتمال بدهید که آب است یا آب نیست که تطهیر صورت نمی گیرد. ارضی که مطهر است باید علم حاصل کنید که این ارض است. اگر شک بکنید در ارضیت آن که مطهر محقق نشده است. بل إذا شك في حدوث فرش أو نحوه بعد العلم بعدمه، شک

می کند در حدوث فرش یا نحو فرش که مثلاً آسفالت بود بعد از علم به عدم آن فرش، الان شک می کنید که فرش شده یا نه، «یشکل الحکم بمطهریته ایضاً»، حکم به مطهریت مشکل است. در مسئله پنجم فرمود: «و اما اذا شگ فی وجودها فالظاهر کفایه المشی»، اینجا می فرماید: «اذا شگ حدوث الفرش أو نحوه یشکل الحکم بمطهریته» فرق آن این است که سید در مسئله پنجم می فرماید: شک در وجود نجاست می کنیم، در مسئله ششم شک در وجود حائل می کنیم. مستشکلین آمده اند گفته اند شک در وجود نجاست اگر برگردد به شک در حائل حکم به طهارت نمی شود. این هر دو مسئله در آخر به یک جا منتهی می شود و آن این است که شک در وجود فرش داریم، علم داشتیم فرش نبود، استصحاب می کنیم عدم فرش را. این استصحاب مثبتی است که ثابت می کند تماس را. اصل عدم فرش ثابت می کند فرش که نبود تماس است و تماس که حکم شرعی نیست و استصحاب مثبت می شود و این استصحاب مثبت جاری نیست به هیچ وجه.

نظر محقق عراقی

اما محقق عراقی قدس الله نفسه الزکیه مطلبی دارد که از یک سو قابل توجه و از سوی دیگر قابل اعتماد، می فرماید: درباره استصحاب عدم فرش یا استصحاب عدم حائل که شک در وجود حائل و شک در وجود فرش داریم، شک در اصل وجود است. اینجا استصحاب شرعی نیست تا اشکال بشود که مثبت است. استصحاب استصحابی است که برگرفته از بنای عقلاء است. و استصحاب اگر بر مبنای عقلاء باشد، مثبتاتش هم اعتبار دارد. عقلاء را می بینیم که بنایش این است، یک چیزی که وجود ندارد و سابقه اش هم عدم است، مثل وجود نجاست در کف پا یا وجود فرش در زمین، علم داریم قبلاً که فرش نبود عقلاء به احتمال حدوث اعتناء نمی کنند. و این استصحاب عقلایی است و اعتبار دارد.

شک در حائل در طهارات ثلاث

یک نکته ای را هم اضافه می کند و آن این است که می فرماید: درباره طهارات ثلاث شک در حائل براساس سیره عقلاء قابل اعتناء نیست. اگر در وضو شک بکنیم که در اعضای وضو حائلی وجود دارد یا ندارد. غسل شک کنیم که در بدن حائل وجود دارد که آب به پوست برسد یا نه، شک در حائل است. وضو و غسل و تیمم شک در وجود حائل بکنیم، سیره عقلاء بر این است که به حائل اعتناء نکنید. بنابراین این بنای عقلاء از یک سو و تایید دیگر از سوی سیره عقلاء نسبت به طهارات ثلاث که داریم، این بیان ایشان است.

نکات مورد توجه

مضافاً بر این که در عناوین وجودی طبق آنچه محقق نائینی هم فرموده اند، عناوین وجودی که دارای اثر شرعی است، باید احراز بشود. عقلاء و شرع روی عنوان محرز ترتیب اثر می دهند و روی عنوان مشکوک ترتیب اثر نمی دهند. فرش یا وجود حائل مثل متنجس در کف پا اینها از عناوینی هستند وجودی که دارای اثر است و اثر آن ممانعت است. از لحاظ فقهی و عقلایی وجود معلوم و قطعی این عناوین موثر اثر است، وجود مشکوک موثر اثر نیست. نکته سوم هم اینکه اینجا استصحاب شرعی هم ممکن است و آن این است که استصحاب

در احکام وضعیه و احکام تکلیفیه جاری است، اینجا استصحاب می کنید حکم وضعی را. مانعیت را استصحاب می کنید. فرش مانع است، عنوان انتزاعی آن می شود مانعیت، مانعیت را استصحاب می کنیم و حالت سابقه هم داشته. فرش مانع است و مانعیت یک حکم وضعی است، استصحاب عدم مانع و حکم به طهارت. بنابراین در صورت شک در وجود اصل نجس یا متنجس و در صورت شک در وجود فرش حائل و به طور کلی شک در وجود حائل درست مانند شک در وجود حائل در طهارات ثلاث قابل اعتناء نیست. لذا براساس قاعده عدم ترتیب اثر به عنوان مشکوک و براساس استصحاب حکم وضعی و براساس قانون مساهله شرعی و براساس تتبع کامل در موارد شبهات به این نتیجه اطمینان پیدا می کنیم که در مثل چنین مورد حکم به مطهریت صحیح خواهد بود.

سوال: شک در مطهریت را چه کنیم؟

پاسخ: شک در مطهریت در صورتی بود که شک در حائل باشد، ما شک در حائل را از بین بردیم، دیگر سببی و مسببی می شود، زمینه برای شک در مطهریت باقی نمی ماند. چون ما گفتیم اصلاً شک در وجود حائل از آن شکوکی است که قابل اعتناء نیست عقلاییاً و فقهاً، مذاق شرع، مساهله شرعی و عدم ترتب اثر به عنوان مشکوک و استصحاب عدم مانع. با همه این ادله می توان وثوق پیدا کرد که حکم به مطهریت اینجا درست باشد و اشکالی دیده نمی شود. هرچند احتیاط این است که باید رفع نجاست را مورد توجه قرار داد و فرش را هم مورد توجه قرار داد. هر کجا شبهه تبیین و دسترسی به شبهه سهل و آسان باشد، توجه به آن شبهه مطابق احتیاط دینی است و عقلایی هم است. آدم شک می کند کف پایش حائلی که فاصله ایجاد بین کف پا و سطح زمین وجود دارد یا ندارد، با اندک تبیین حل می شود. و همینطور فرش و وجود فرش تشخیص آن بسیار کار سهلی است. لذا در این موارد در انتهای این نکته آمد ما را به احتیاط وادار کرد.

سوال: با سهل و سمحه بودن سازگار نیست

پاسخ: با سهل و سمحه بودن سازگار است. اگر در تبیین به مشکل برمی خورید با سمحه سهله سازگار نبود. چیزی نیست و مونه ای ندارد، به راحتی می توانید تحقیق کنید که قضیه از این قرار است.

سوال:

پاسخ: این دو مسئله در آخر در یک مسلک قرار می گیرند که هر دو برمی گردد به شک در حائل بنا به مبنای محققین. اما سید طباطبایی مسئله اول را که می گوید حکم به طهارت بلا اشکال است، در قالب شک در حائل قرار نداده است. سیدین و امام خمینی که حکم به عدم مطهریت می کنند، در صورتی است که شک در حائل بشود اما گفتیم شک در حائل نیست. مثل نجاستی است که حجم ندارد. اگر شک در حائل نباشد و شک در وجود نجاست اشکالی ندارد و با مشی طهارت حاصل می شود. سید نظرش این است که فرض ما این است که شک در وجود نجاست شک در وجود حائل نیست اما اگر فرض کردیم که شک در نجاست شک در حائل است، درست مثل شک در وجود فرش می شود. فرش هم شک در حائل

است، آن هم جسمی است که وسط پا و زمین قرار داده و مانع از وصل پا به زمین شده است. شک در حائل که بشود، اصل مثبت جاری نیست بنابر مبنای معروف اصول. اما بنابر مبنای محقق عراقی و شرحی که داده شد، اصل جاری است. اولاً عقلایی است و ثانیاً اصل شرعی در مانعیت و ثالثاً قاعده و رابعاً قاعده مساهله، با این خصوصیات قاعدتاً شک در مطهریت هیچ اشکالی ندارد.

قاعده در شبهه

اما احتیاط را از این باب گفتیم که تبیین در مثل چنین شبهه ها کار سهلی است. قاعده این شد که هر شبهه ای که تبیین درباره آن هیچ مشکلی نداشته باشد، عقلاً و فقهاً احتیاط بشود و تبیین بشود.

[1] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 121 تا 123.